

سنت هدایت و اضلال الهی

طاهره ادریسی^۱

چکیده

هدایت به معنای ارشاد و راهنمایی است. و به دو نوع هدایت عامه و هدایت خاصه تقسیم می‌شود، و قسم اخیر خود بر دو قسم است: هدایت تکوینی و هدایت تشریعی. منشأ هدایت خداوند است. او برای هدایت انسان‌ها هدایتگرانی را از جمله پیامبران: کتب آسمانی و ائمه: قرار داده است. موانع هدایت شامل شیطان، دنیا، هوای نفس می‌باشد. مسیر هدایت هدایتگران به سوی خداوند و صراط مستقیم می‌باشد. عده‌ای از هدایت خداوند بهره مند می‌شوند از جمله: مؤمنان و... عده‌ای دیگر از این نعمت محروم می‌باشند از جمله: کافران و... دنباله روی از هدایت ثمراتی چون: نفی خوف و حزن و آمرزش و... را در پی دارد. برخورداری از هدایت و یا محرومیت از آن نتیجه اعمال و کردار خود انسان و بیان کننده اختیار آدمی در این زمینه می‌باشد.

در این مقاله با استفاده از آیات قرآن، به اختصار به بررسی مسائلی که عنوان شد می‌پردازیم.

کلید واژگان: هدایت، ضلالت، هادی، مهتدی، صراط

^۱. طلبه پایه سوم حوزه علمیه ام‌الائمہ شهرستان نجف آباد

مقدمه

در سیر انسان از خدا همانا حقیقت هدایت است که، چراغ راه و روشنی بخش دل سالک برای رسیدن به کمال مطلوب است. خداوند می فرماید: ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی «پروردگار ما کسی است، که هر چیزی را خلقتی که در خور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است.» ره پویان رشد و کمال تشنه قطره ای هدایت و ذره ای سعادت هستند و این فیض الهی در پرتو قرآن کریم و هدایت هادیان برگزیده الهی بدست می آید. البته خود انسان نیز در تحصیل آن بی تأثیر نبوده و با توکل به خدا و بهره مندی از راهنمایی هدایتگران الهی و نیز تلاش و کوشش خود در راه رسیدن به مقصود گام برمی دارد

معنای سنت

سنت به معنای سیره و روش، طریقه و عادت مستمر است و سنت های الهی عبارتند از: ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد، یا روش هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می کند. قرآن کریم از ضوابط و قوانین حاکم بر زندگی بشر به سنت تعبیر کرده و این کلمه گاه به صورت مفرد و گاه جمع بکار رفته است؛ تعبیری مانند: «سُنَّةَ اللَّهِ، سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ، سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا، سُنَنُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ». آیات بسیاری از قرآن کریم بر حاکمیت سنت های الهی بر زندگی بشر دلالت دارند. آیات زیر از آن جمله اند: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنُ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ پیش از شما سنت هایی وجود داشت و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود سرنوشت هایی داشتند، که شما نیز همانند آن را دارید. پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!» (آل عمران، آیه ۱۳۷)، «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ بگو: روی زمین گردش

کنید، سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (انعام، آیه ۱۱) و «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ

خَلَوْا مِنْ قَبْلُ...؛ این سنت خداوند در اقوام پیشین است.» (احزاب، آیه ۶۲)

ویژگی های سنت الهی

سنت های الهی دو ویژگی بسیار مهم دارند:

۱. عمومیت و فراگیری

این ویژگی در حقیقت مقوم سنت الهی است؛ به گونه ای که اگر یک سنت از آن برخوردار نباشد، سنت نامیده نخواهد شد. مفهوم عمومیت سنت آن است که امکان استثنای بعضی از افراد و اقوام از سنت امکان ندارد و در زمان فراهم آمدن شرایط یک سنت اجرای آن حتمی است.

۲. ثبات و تغییرناپذیری

در مقابل حتمی بودن اجرای سنت های الهی دو احتمال وجود دارد؛ نخست آنکه سنتی به سنت دیگر تبدیل گردد و دوم آنکه خداوند آن سنت را از قومی به قوم دیگر برگرداند، برای مثال عذابی را که برای عده ای مقرر شده به گروهی دیگر فرود آورد. قرآن کریم هر دو احتمال را نفی کرده، و می فرماید: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ هرگز برای سنت الهی تبدیل و تحویلی نخواهی یافت». (فاطر، آیه ۴۳) علامه طباطبایی (ره) درباره تفاوت تبدیل و تحویل می نویسد: تبدیل سنت خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند و تحویل سنت عبارت از این است که عذاب فلان قوم را - که مستحق آن می باشند - به سوی قومی دیگر برگردانند و سنت خدا نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل؛ برای این سنت هدایت و

اضلال‌هدایت و اضلال از دیگر سنت‌های الهی هستند؛ به این معنا که اگر انسان‌ها در مسیر خدا قرار گرفته و هدایت او را بپذیرند، خداوند بر هدایت آنان خواهد افزود، ولی اگر انسانی از هدایت الهی سر باز زند و خود را در مسیری ضد رشد و تعالی قرار دهد، خداوند او را گمراه خواهد ساخت و کسی را نیز که خداوند گمراه سازد هیچ نیرویی نمی‌تواند او را هدایت کند. برخی از آیاتی که بر حاکمیت این سنت در زندگی بشر دلالت دارند، این آیات هستند: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ؛ کسانی که هدایت یافتند (خداوند) بر هدایت آنها افزود و پاداش تقوایشان را به آنها داد» (محمد، آیه ۱۷)، روشن است که مراد از اضلال الهی، اضلال تکوینی است نه تشریعی؛ زیرا اعمال و رفتار چنین افرادی سبب گمراهی آنان شده است، نه آنکه خداوند برنامه‌های رشد و تکامل را از آنها دریغ کرده و یا برنامه‌هایی گمراه‌کننده در اختیارشان گذاشته باشد. در آیات بسیاری به این واقعیت اشاره شده است که اعمال و رفتار انسان‌ها موجب گمراهی آنان می‌شود.^۲ که خدای تعالی برصراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا.^۳

معنای لغوی هدایت

هدایت از ماده (هدی) به معنای ارشاد و هدایت یافتن، بیان و راهنمایی، ضد گمراهی است. همچنین در معنای آن گفته شده که عبارت است از: راهنمایی به آنچه که ما را به مطلوب می‌رساند و

^۲ سوره بقره (۲)، آیه ۲۶۴؛ سوره انعام (۶)، آیه ۱۴۴؛ سوره توبه (۹)، آیه ۸۰.
^۳ . مبانی انسان‌شناسی در قرآن، دکتر عبدالله نصری، ص ۳۹۴ - ۳۹۲ و ۳۹۰ و مبانی انسان‌شناسی در قرآن، ص ۴۰۵ - ۴۰۴.

گفته می‌شود عبارت است از پیمودن راهی که به مطلوب می‌رساند. راغب هدایت را به معنای راهنمایی همراه با لطف و مهربانی بیان کرده است.^۴

معنای اصطلاحی هدایت

هدایت به معنای نشان دادن راه و یا نشان دادن هدف به انسانها و سنتی الهی است که اشعار بر الطاف بیکران خداوند نسبت به بندگانش دارد. هدایت در مقابل هدایت، ضلالت قرار دارد و آن به معنای گمراهی و اتخاذ راه و هدف، غیر از راه و هدفی که خداوند متعال به عنوان کمال مطلوب برای انسان تعیین کرده است، می‌باشد و در مواقع پیروی از هوای نفس و شیطان را شامل می‌شود. هدایت و ضلالت هرکدام دارای اقسامی می‌باشد که با توجه به آیات قرآن و نظر مفسرین از هرکدام طبقه‌بندی‌هایی به عمل آمده است.

اقسام هدایت

می‌توان هدایت را به هدایت عامّه و هدایت خاصه تقسیم نمود :

۱. هدایت عامّه (هدایت تکوینی عام)

هدایت عامّه عبارت است از: هدایت الهی و دلالت به سوی کمال وجودی خاصی که، هر موجودی ذاتاً میل و کشش درونی به سوی این مقصود و این کمال وجودی دارد. چنین هدایتی از

^۴ . راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق، ص ۸۳.

«...خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند...»

طرفداران جبر به اینگونه آیات استناد کرده‌اند، این افراد، ضالین و گمراهان را که معصیت و نافرمانی خدا را انجام می‌دهند بدون اختیار دانسته و افراد مهتدی و هدایت یافته را هم که اطاعت می‌کنند بلا اختیار فرض نموده و گفته‌اند انسان حتی در انجام تکالیف از خود اختیاری ندارد و هدایت و ضلالت انسان‌ها به دست خداوند می‌باشد.^{۲۰}

سر منشأ این توهم اکتفا کردن به آیه‌ای و چشم پوشی از آیات دیگر است. دقیقترین تفسیری که با همه آیات هدایت و ضلالت سازگار است و همه آنها را به خوبی تفسیر می‌کند بی‌آنکه کمترین خلاف ظاهری در آن باشد این است که:

هدایت تشریعی به معنی ارائه طریق جنبه عمومی و همگانی دارد و هیچ قید و شرطی در آن نیست، چنانکه در آیه ۳ سوره دهر آمده:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)

«ما راه را به انسان نشان دادیم خواه شکرگزاری کند یا کفران»

اما هدایت تکوینی به معنی ایصال به مطلوب و گرفتن دست بندگان و گذراندن آنها از تمام پیچ و خم‌های راه، حمایت از آنها تا رساندن به ساحل نجات که موضوع بحث بسیاری دیگر از آیات قرآن است هرگز بی‌قید و شرط نمی‌باشد، این هدایت مخصوص گروهی است که اوصاف آنها در قرآن بیان

^{۲۰} . سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن (تفسیر موضوعی للقرآن)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۴۲۲.

شده، از جمله این اوصاف که استحقاق هدایت می‌آوردند: پیروی فرمان خدا، و جلب خشنودی او،

توبه و انابه، جهاد، پیمودن مقداری از راه هدایت، می‌باشد.^{۲۱}

(إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ) رعد/۲۷

«خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هر کس را که بازگشت به سوی او کند هدایت

می‌نماید»

(وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى) محمد/۱۷

«کسانی که گامهای نخستین هدایت را برداشته‌اند خداوند بر هدایتشان می‌افزاید»

آنچه از اضلال به خداوند نسبت داده شده اضلال به عنوان مجازات است که افراد طالب ضلالت

را به آن مبتلا می‌سازد.^{۲۲}

قرآن ضلالت را مخصوص کسانی می‌شمرد که دارای این اوصافند: کفر، فسق، اسراف، دروغ،

کفران و

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ) زمر/۳.

«خداوند هدایت نمی‌کند کسی که دروغگو و کفران کننده است»

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ) غافر/۲۸.

«خداوند هدایت نمی‌کند کسی که اسرافکار و بسیار دروغگو است»

بنابراین هم هدایت و هم ضلالت نتیجه اعمال و کردار خود انسان و اختیار اوست.

^{۲۱}. مکارم شیرازی، ناصر، همان، ج ۱۹، ص ۴۶۴ و ۴۶۵

^{۲۲}. طباطبایی، محمدحسین، همان، ج ۱، ص ۱۹.

چگونگی تقابل هدایت و ضلالت

تقابل هدایت و ضلالت تقابل تناقض است، از قبیل وجود و عدم یا نور و ظلمت. ضلالت یعنی عدم هدایت. بین هدایت و ضلالت واسطه ای نیست. ضلالت امری عدمی است. ضلالت بی بهرگی از هدایت است. انسانها یا در راهند و راه یافته اند، یا از راه به در شده اند، به بیراهه رفته اند و گمراه شده اند. هدایت با صراط مستقیم و سبل الی الله ملازم است. هر که در این صراط و یا سبل منتهی به آن نبود در ضلالت است.

نتایج

- سنت های الهی عبارتند از: ضوابط و قوانین الهی که بر زندگی عالم و آدم حاکمیت دارند. آیات فراوانی حاکمیت سنن الهی بر زندگی بشر را اثبات می کنند.
- سنت های الهی دو ویژگی مهم دارند که عبارتند از: عمومیت و تغییرناپذیری.
- برخی از سنت های الهی حاکم بر زندگی انسان بدین قرارند: سنت ارسال رسل، سنت هدایت و اضلال، سنت امتحان و ابتلاو
- منشأ هدایت خداوند است.
- پیامبران، کتب آسمانی، و ائمه: از مظاهر هدایت خداوند می باشند.
- مهمترین موانع هدایت شیطان، دنیا و هوای نفس می باشد.
- یکی از اهداف مهم هدایت کنندگان دعوت و هدایت همه انسان ها به سوی خداوند است.
- مؤمنان و پرهیزکاران از هدایت یافتگان، کافران و فاسقان از هدایت نیافتگان می باشند.
- هدایت شدگان خوف و حزنی ندارند.

-هدایت نتیجه اعمال و کردار خود انسان است.

منابع

❖ قرآن کریم

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق .
- سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن (تفسیر موضوعی للقرآن)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق، ج ۶.
- سیار اطراش لنگردوی، منیژه، هدایت و ضلالت در قرآن، کلام و فلسفه، بی جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، قم، جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ج ۱۵ ص ۱۹، ج ۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷، ج ۲.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، محقق: هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۲.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱، ج ۱.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷، ج ۱.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۱، ج ۱۰، ج ۱۹.
- نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۹، ج ۱۳.
- نصری، عبدالله، مبانی انسان شناسی در قرآن.